

جهان‌بینی اسلامی و هستی‌شناسی سبک زندگی اسلامی ایرانی: رویکردی راهبردی

علی اشرف نظری^۱

چکیده

مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که به کارگیری آن می‌تواند گویای واقعیت پیچیده رفتارها و نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد. در تعاریفی که از سبک زندگی از منظر بزرگان علم جامعه‌شناسی بیان می‌گردد اینگونه مطرح می‌شود که سبک زندگی مجموعه رفتارها و الگوهای کنش‌های فرد است که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد و کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد را نمایندگی نماید. تمایز و تفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی به تفاوت‌های بنیادین جهان‌بینی اسلامی و هستی‌شناسی دنیای مدرن باز می‌گردد. جهان‌بینی افراد بر نحوه برداشت و تلقی هر یک از آنها از مفهوم سبک زندگی، ماهیت و غایات آن تأثیر بنیادین دارد تا آنجا که شاید بتوان گفت تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ اسلامی- ایرانی از نوع نگرش هستی‌شناختی آنها به سبک زندگی ناشی می‌شود. بدین معنا که فرهنگ اسلامی- ایرانی بر اساس نوعی نگاه الهی و آخرت‌اندیش سامان یافته است و درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای نوعی نگاه سکولار، اولویت را به زندگی دنیوی و مصرف‌گرایی می‌دهد. در زمینه سبک زندگی، تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد. تعریفی که فرهنگ اسلامی- ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن بر اساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی، که هدف اصلی و زندگی واقعی است، بر ایمان دارد؛ درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای مکتب اومانیزم و لذت‌گرایی و غایی بودن زندگی دنیوی استوار است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، سبک زندگی، غرب، فرهنگ، اسلام، ایران.

بیان مسئله: تبیین مفهوم سبک زندگی

زندگی روزمره و عادی مردم در دو دهه گذشته مورد توجه جدی جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه‌ی فرهنگ و هویت قرار گرفته است. قبلاً به نظر می‌آمد که رفتارهای عادی و معمول مردم اهمیت چندانی ندارد و معمولاً به دنبال بزنگاه‌ها

^۱ دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران: aashraf@ut.ac.ir

و نقاط عطف زندگی نخبگان و برجستگی‌های فرهنگی اقوام بودند، اما در دهه‌های اخیر به این مسأله توجه ویژه‌ای شد که جریان زندگی عمومی مردم بسیاری از رفتارها و اتفاقات را در فضای سیاسی و اقتصادی جوامع رقم می‌زند. آنها دریافتند مردم بسیاری از رفتارها را بر حسب اجبار یا عادت انجام می‌دهند، اما بخشی از رفتارهایشان از سر انتخاب و ترجیح است. این انتخاب‌ها به باورها و سلیقه‌های افراد برمی‌گردد و با هم تناسب و ربط دارد. از این مناسبات می‌شود الگو یا الگوهایی استخراج کرد. این الگومندی همان سبک زندگی است^۱. از این منظر، سبک زندگی عبارت است از «الگوی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها، (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کنند یا به اختصار سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است»^۲.

سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنای زندگی اجتماعی می‌باشد اطلاق می‌شود. سبک زندگی، بیانگر نیت، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است و هویت و فرهنگ جامعه در پرتو آن شکل می‌گیرد. بنابراین، سبک زندگی منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها و معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی و ... است که طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد. سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست و بر همین اساس از نوعی وحدت برخوردار است. بنابراین، صرف نظر از برخی اشتراکات در تعریف سبک زندگی، با توجه به تفاوت فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و زمینه‌های اجتماعی، معنای سبک زندگی از یک کشور به کشور دیگر متفاوت می‌باشد.

سبک زندگی و چگونگی تحقق آن به صورت مطلوب، همواره دغدغه بشر بوده است. مفاهیم «حیات» در قرآن، «Life» در انگلیسی، و «زندش» یا «زندگی» در فارسی، مبین این قدمت هستند. اما سبک زندگی که امروز بر زبان‌ها جاری است، اغلب منظور سبک زندگی مهاجم و هژمون آمریکایی است که با عنوان American Lifestyle یا An American Way of Life که «راه و روش زندگی آمریکایی» است، معرفی می‌شود. سبک زندگی آمریکایی با این تلقی، مبتنی بر بررسی «آدام کورتیس»، در حدود ۴۰ سال یعنی از دهه ۱۹۷۰ به این سو پیشینه دارد. آدام کورتیس، در یک بررسی مستند، تحت عنوان «قرن خود» The Century of the Self، در دوره‌ای یک قرن، از ۱۹۰۱ م. تا ۲۰۰۱ م. تاریخ حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آمریکا را بررسی می‌کند. بررسی مبسوط او، روند شکل‌گیری و تحقق «فردگرایی جدید»^۳ و تفرد جدید را نشان می‌دهد. مدرنیته، در قرون اخیر، «اصالت فرد» را بشارت داده بود، و پس از تحقق آن، جامعه آمریکا، در نیمه دوم قرن بیستم، قدم به مرحله نوین اصالت فرد گذارد.^۴

۱. درباره‌ی چیستی سبک زندگی، در: گفتاری از حجت‌الاسلام دکتر سعید مهدوی کنی، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ در: <http://www.psyop.ir/?p=41981>

۲. مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال اول شماره ۱: ۲۰۰

۳. New Individualism

۴. سایه روشن‌های سبک زندگی آمریکایی در ایران، گفتگو پیرامون سبک زندگی، نشریه پنجره، در:

رهبر معظم انقلاب، هدف اصلی و میانه‌ی انقلاب اسلامی ایران را «تشکیل جامعه‌ی اسلامی با همه‌ی خصوصیات و شاخص‌هایش» عنوان می‌کنند. نگاهی گذرا به نام‌گذاری سال‌ها در دهه‌ی هفتاد شمسی نشان می‌دهد که ارتقای فرهنگ عمومی در کشور برای رهبری انقلاب اهمیتی فوق‌العاده داشته است. انتخاب نام‌هایی همچون «وجدان کاری، انضباط اجتماعی»، «انضباط اقتصادی و مالی» و «صرفه‌جویی» ناظر بر آسیب‌شناسی جامعه‌ی آن روز ایران بود؛ آسیب‌هایی همچون زیاده‌روی و نابودکردن اموال عمومی و اموال شخصی و نیز ریخت و پاش و اسراف. در این میان نام‌هایی مانند «حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف» و «همت مضاعف و کار مضاعف» برای نسل‌های جوان‌تر جامعه‌ی ایرانی آشنا تر است. البته انتخاب نام سال، تنها زمینه‌ی طرح این بحث برای رهبری نبود، بلکه ایشان در سخنرانی‌های مختلفی در این سال‌ها به مسائلی مثل آپارتمان‌نشینی، معماری، اصلاح موی سر، شیوه‌ی راه‌رفتن، کتاب‌خوانی، الگوی مصرف وسایل زندگی، مُد و ... نیز پرداخته‌اند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مفهوم سبک زندگی ناظر بر یکی از مفاهیم کانونی الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی است که بخش نرم‌افزاری تمدن و قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر آن است. به تعبیر معظم له، «یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن ... ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است»^۱. ایشان درباره اهمیت این مسئله به عنوان بحثی محوری بیان می‌کنند: «بنده زمان ریاست‌جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه‌ی طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیایید یک لباس ملی درست کنیم [...] عرب‌ها لباس ملی خودشان را دارند، هندی‌ها لباس ملی خودشان را دارند، اندونزی‌یایی‌ها لباس ملی خودشان را دارند [...] من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟^۲ به طور کلی، مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. سبک زندگی، ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است. رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی مصرّح و آگاهانه یا غیر مصرّح و نیمه خودآگاه در فلسفه حیات است.
۲. مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حد نصاب انسجام و همبستگی رسیده و هم‌خوانی و تناسب داشته باشند، البته این تناسب باید مقداری پایدار بماند؛ زیرا انسجام موقتی که تحت تأثیر جوّ اجتماعی خیلی زود از بین رود سبک زندگی را پدید نمی‌آورد.
۳. در پدید آمدن سبک زندگی اکثر عناصر، اختیاری است. در واقع، سبک زندگی باید انتخاب شود و شخص فعالانه در تعریف و معماری آن بر اساس نظام اعتقادی و ارزش‌های مشارکت داشته باشد.

^۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

^۲. بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان همدان، ۱۷/۴/۱۳۸۳.

۴. سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است، زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است. نوعی طراحی است که می‌توان آن را نقد کرد و می‌توان آن را در انداخت.

۵. سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می‌شود؛ یعنی فرد کلاس هویتی خود را با نوع ارتباطات، نوع شغل، سبب مصرفی و سایر ظواهر انتخابی خود، معرفی می‌کند. از سوی دیگر، فرد بر اساس سبک زندگی آرام آرام به رفتارهایی عادت می‌کند و از درون شکل می‌گیرد. این موضوع باعث می‌شود که نظام ارزشی خاصی نیز برایش درونی شود.

۶. در سطح کلان اجتماعی، سبک زندگی همگرایی و واگرایی پدید می‌آورد. کسانی که سال‌ها مانند هم زیسته‌اند آرام آرام مانند هم فکر می‌کنند و حساسیت‌ها و علاقه‌هایی مشترک خواهند داشت. این همگرایی از پیش تعریف نشده، به موضع‌گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی فرهنگی و اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک قطب هم‌نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد.^۱

بنابراین، مفهوم سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که به کارگیری آن می‌تواند گویای واقعیت پیچیده رفتارها و نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد. در تعاریفی که از سبک زندگی از منظر بزرگان علم جامعه‌شناسی بیان می‌گردد اینگونه مطرح می‌شود که سبک زندگی مجموعه رفتارها و الگوهای کنش‌های فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد و کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد را نمایندگی نماید. بی‌شک این تعریف اشاره‌ای به جایگاه حاکمیت سیاسی در حوزه‌های هنجار آفرین از یک سو و نقش آفرینی آن در حمایت‌های خاص از الگوها و سبک‌های رفتاری، فرهنگی و هنجاری از سوی دیگر است. از منظر دانش سیاست‌گذاری، مفهوم حاکمیت سیاسی در بعد عملی به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیربنایی ورود پیدا می‌کند و بر این مبنا با صرف درآمدهای عمومی در حوزه‌های نامبرده، تاثیرات بلندمدت و پایداری در فرایند زندگی مردم از خود برجای می‌گذارند. حاکمیت سیاسی بواسطه غلبه‌ای که بر کلیات حیات اجتماعی شهروندان در ابعاد مدیریتی و حکومتی دارد می‌تواند به حوزه‌هایی همچون الگوهای مصرف، تولید، پوشش، تغذیه، رفاه، آموزش، کسب و کارهای اقتصادی و مواردی دیگر ورود مستقیم پیدا کرده و شیوه‌های زندگی اجتماعی افراد جامعه را تحت تاثیر عملکرد خود قرار دهد. شیوه‌هایی که ما از آن بعنوان سبک زندگی یاد می‌کنیم.^۲

سبک زندگی اسلامی - ایرانی و مرزبندی هویتی آن با سبک زندگی غربی

تمایز و تفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی به تفاوت‌های بنیادین جهان بینی اسلامی و هستی‌شناسی دنیای مدرن باز می‌گردد. جهان بینی افراد بر نحوه برداشت و تلقی هر یک از آنها از مفهوم سبک زندگی، ماهیت و غایات آن تأثیر

^۱. شریفی و همکاران، ۱۳۹۱

^۲. سبک زندگی و حاکمیت سیاسی، ۲۸ فروردین ۱۳۹۲، در: <http://www.psvop.ir/?p=40831>

بنیادین شاید بتوان تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ اسلامی-ایرانی از نوع نگرش هستی شناختی آنها به سبک زندگی ناشی می‌شود. بدین معنا که فرهنگ اسلامی-ایرانی بر اساس نوعی نگاه الهی و آخرت اندیش سامان یافته است و درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای نوعی نگاه سکولار، اولویت را به زندگی دنیوی و مصرف‌گرایی می‌دهد. در زمینه سبک زندگی، تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد و تعریفی که فرهنگ اسلامی-ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن بر اساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی، که هدف اصلی و زندگی واقعی است، برایشان دارد؛ درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای مکتب اومانیسم و لذت‌گرایی و غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. این دو جهان‌بینی دقیقاً در نقطه‌ی مقابل هم قرار دارند و بی‌گمان این اختلاف دیدگاه در بررسی وضعیت سبک «زندگی» و خوب و بد بودن آن و برنامه‌ریزی برای اصلاح آن تأثیر تام و تمام خواهد گذارد. مقام معظم رهبری، در این خصوص، می‌فرمایند: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود.» (بیانات در دیدار دانشجویان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۹۱)

اختلاف در نگرش به زندگی و سبک زندگی نقطه تمایز ما با غرب است. بنابراین، تقابل و تراحم این دو جهان‌بینی موجب می‌شود در رابطه با سبک زندگی و معیارهای اصلی حاکم بر آن نوعی ادراک متعارض شکل گیرد. زیرا، «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود.»^۱

اختلاف در نگرش به زندگی و سبک زندگی نقطه تمایز ما با غرب است. بنابراین، تقابل و تراحم این دو جهان‌بینی موجب می‌شود در رابطه با سبک زندگی و معیارهای اصلی حاکم بر آن نوعی ادراک متعارض شکل گیرد. سبک زندگی اسلامی مبتنی بر مؤلفه‌هایی است که به صورت جدی متمایز از سبک زندگی غربی است:

۱. گرایش به ذات اقدس الهی و توکل و ایمان مطلق به حضور همه جانبه‌اش موجب می‌شود که فرد خود را در معرض آزمون الهی ببیند و همواره سایه حضور خداوند را در تمام ابعاد زندگی احساس کند. از این رو، زندگی به عرصه‌ای برای اطاعت از امر الهی و توکل به او تبدیل می‌شود.
۲. در نگرش اسلامی، اصالت با طهارت وجودی است نه عوالم ظاهری و مسائلی که در قالب اومانیستی و مقابله با حضور خداوند ترویج می‌شود، بنابراین، اولاً، خداوند به عنوان مقدر کننده همه تقدیرها قلمداد شود نه انسان، ثانیاً، محور چرخش هستی و تمام کائنات تقرب یافتن به بارگاه الهی است و ارزش انسان نیز در میزان پیمودن چنین مسیری است نه نوع ماشین یا لوازمی که در منزل خود دارد. البته در نگرش اسلامی، افراط و تفریط جایی ندارد و انسان نادیده گرفته

^۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نمی‌شود. بدیهی است که در این نگرش سلسله مراتبی، خداوند در جایگاه عالی است و انسان هم به شرط باقی ماندن در صراط مستقیم، در زمره اشرف مخلوقات است.

۳. در این چارچوب، فرهنگ مصرف‌گرایی و لذت طلبی با اولویت بخشیدن به دنیاگرایی، در مقابل فرهنگ تعالی جو و آخرت‌گرای اسلامی قرار می‌گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنِّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ این زندگانی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست. زندگانی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۴). حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَّجَازٌ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٌ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ؛ همانا دنیا سرای گذر است و آخرت سرای ماندن؛ پس، از گذرگاه خود برای اقامتگاهتان توشه بگیرید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۳).

۴. بر اساس سبک زندگی اسلامی، اگر دنیا ارزشی دارد، از آن حیث است که می‌تواند ابزاری باشد برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی و گرنه به سبب زوال‌پذیری و و توأم بودن آن با سختی‌ها و... ارزش واقعی ندارد و جز بازیچه‌ای موقتی برای کسانی که از خدا غافل شده‌اند نیست. البته این سخن بدین معنا نیست که باید تجارب موجود در حوزه سبک زندگی را نادیده گرفت، بلکه توجه دادن به این نکته است که الزامات معرفتی و چشم اندازه‌های هویتی متفاوتی در جهان اسلامی - ایرانی وجود دارد که نباید دچار تزلزل و اعوجاج شود.

دستورکارهای سبک زندگی: تأملات بنیادین

لازمه ارائه درکی دقیق و همه جانبه از حوزه سبک زندگی، فهم ابعاد و زمینه‌هایی است که در متن آنها دغدغه‌ها و مسائلی اصلی ما شکل می‌گیرد. موضوعات و دستورکارهای سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری چنین‌اند ((بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳):

الف. فرهنگ زندگی:

چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟

چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟

چرا در روابط همسایگی مان رعایتهای لازم را نمیکنیم؟

چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟

چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آپارتمان نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت میکنیم؟

الگوی تفریح سالم چیست؟

نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟

چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟

طراحی لباسمان چگونه است؟

مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چگونه است؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟

ب. اخلاق عمومی

آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرتهای روزانه، به همدیگر به طور کامل راست میگوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟

چرا پشت سر یکدیگر حرف میزنیم؟

بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار میگریزند؛ علت کارگریزی چیست؟

در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگری‌های بی‌مورد میکنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و ناپردباری در میان بعضی از ماها چیست؟

حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات میشود؟

چقدر به قانون احترام میکنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟

وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرفهای خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟

ج. تجمل‌گرایی و اقتصاد مصرفی

چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هر چه گیر می‌آوریم، صرف امور کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست.

چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟

چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟

چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟

تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟

سبک زندگی و مخاطرات آن: بررسی آسیب‌های اجتماعی

۱. اهمیت فزاینده سبک زندگی و هویت با اتکا به حوزه مصرف، که روش زندگی فرد بخشی از سلیقه جهانی است که ممکن است بر او تحمیل شده باشد. در سبک زندگی غربی، فرد هویت خود را با کالا و اشیا معاوضه می‌کند و از اشیا کسب هویت می‌کند و به نوعی، شی عوارگی می‌رسد. تجمل‌گرایی و اسراف‌گرایی یکی از معضلات اصلی بروز یافته در فرهنگ ما در دو دهه گذشته است. اسلام مخالف رفاه زندگی نیست، ولی ما را از از تجمل‌گرایی، اسراف‌گری و اسراف بر حذر می‌دارد. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «أَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلاً دَارِي و فرزندان زیورهای زندگی دنیا هستند و کردارهای نیک، که همواره بر جای می‌ماند، نزد پروردگارت بهتر و امید بستن به آنها نیکوتر است.» (سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۴۶). گزینش سبک زندگی تهاجمی باعث افزایش مصرف و در نهایت اسراف می‌شود و در نتیجه، جامعه مصرفی با فرهنگ تن‌آسایی خو می‌گیرد، ضمن اینکه افزایش مصرف باعث رشد واردات کالاهای مصرفی نیز می‌شود در نتیجه در این زنجیره، چند فعالیت ضداجتماعی

صورت می‌گیرد: ۱- ترجیح تن آسایی و تنبلی بر تولید ۲- نیاز به کالای وارداتی به جای کالای تولیدی ۳- افزایش بیکاری ۴- شکاف طبقاتی و احساس نارضایتی از سیستم سیاسی. در جامعه بازاری- صنعتی پرسش «من کیستم؟» تبدیل شده است به پرسش من در فرایند مصرف چه کسی می‌شوم؟ معنای کالا در نوع شخصیتی که من دارم و شکل روابط من با دیگران چه تأثیری دارد؟

۲. شبه عرفان‌های ساختگی: غرب پس از گرفتار آمدن در بحران‌های گوناگون روحی و عاطفی با قدم گذاردن در عصر پست مدرن و پس از قرن‌ها مبارزه با معنویت‌گرایی باور کرد که غیر از بعد مادی بعد فرامادی هم وجود دارد و باید به آن توجه کرد. این احساس نیاز سبب استفاده فرصت طلبان شده است تا از بعد فرامادی زندگی انسان را تأمین کنند و برای فروش هر چه بیشتر دیدگاه‌های سودگرایانه‌شان، به خلق عرفان‌ها منهای شریعت بروند. انسان محوری (اومانیزم) در برابر خدامحوری، تقابل با شریعت و گسترش لابی‌گری، دنیاگرایی در برابر عاقبت‌اندیشی، عشق جنسی در برابر عشق معنوی، آسایش مادی در برابر آرامش معنوی از خصیصه‌های عرفان‌های کاذب است.

۳. در سبک زندگی، عزت نفس از طریق کالا و مصرف به فرد منتقل می‌شود، اما در نظام اعتقادی و تربیتی اسلامی «ارزشمند بودن انسان» مورد تأکید قرار گرفته و نفس انسانی بدون توسل به هیچ کالا و شن‌یئی ارزشمند و قابل احترام معرفی شده است و لباس، مقام و نژاد هیچ کدام بر عزت نفس، انسان اثرگذار نیستند. اینکه خداوند روح با شرافتی را در انسان دمید (حجر ۲۹، ص ۷۲) و او را خلیفه خود در زمین قرار داد. (بقره ۳۰) و اسرار آفرینش را که به هیچ یک از ملائکه نگفته بود به او آموخت. (بقره ۳۱) و ملائکه را به سجده کردن بر او واداشت. (بقره ۳۴) و به او کرامت و فضیلتی بخشید که به دیگران نبخشیده بود. روش‌های مدیریت مدیریت بدن به شرح ذیل است: توجه به زیبایی و جوانی در رسانه‌های جمعی، افزایش علاقه به جوانی و تلاش برای حفظ و تداوم آن در سال‌های غیر جوانی، مدیریت بدن نظیر رژیم‌های غذایی، جراحی‌های زیبایی، ورزش، بدن‌سازی، ایروبیک و... به مثابه امر اجتماعی و نه زیستی یکی از روش‌های این نوع از مدیریت است. بصری کردن ملاک‌ها و معیارهای انسانی با ترویج مدیریت بدن؛ در این طرح نهایت ارزش‌های بشری در تغییر و تبدیل شکل و نماد فیزیکی انسان گسترش می‌یابد.

۴. تنش‌ها و خشونت‌های اجتماعی: خشونت اجتماعی خشونتی است که ممکن است از سوی فرد به فرد دیگری (مثلاً از سوی پدر به فرزند)، از سوی یک گروه به فرد (خشونت باندهای شرور در مثلاً اخاذی از یک فرد) یا از سوی یک گروه در برابر گروه دیگر (مثلاً در منازعات قبیله‌یی) روی دهد. حتی می‌باید حوزه خشونت اجتماعی را تا آسیبی که فرد به خود می‌زند (مثلاً در اعتیاد) گسترش داد. یکی از مسائلی که به نحو جدی در سبک زندگی غربی - حداقل در قالب برنامه‌ها و فیلم‌هایی که به کشورهای اسلامی ارسال می‌شود- ترویج می‌شود، روحیه خودخواهی و اعمال خشونت علیه دیگران است. اغلب بازی‌های رایانه‌ای و برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای در فضایی پر از تنش و خشونت سیر می‌کنند و هر روز متأسفانه شاهد آن هستیم که نسل خردسال ما نیز دسترسی راحت‌تری به این بازی‌ها و فیلم‌ها پیدا می‌کند. این امر موجب می‌شود که افرادی که از این برنامه‌ها تأثیر می‌پذیرند، فضای واقعی جامعه را نیز بخشی

از فضای مجازی ای بدانند که بدون هیچ قیدوبندی به کشتار دیگران یا درگیری با آنها می پرداختند. متأسفانه در جامعه کنونی شاهد هستیم که فرو خوردن خشم و سکینه به آرزویی دشوار بدل شده است و افراد با کوچک ترین محرکی تحریک می شوند. براساس گزارش های موجود، ۶۰ درصد منازل خیابانی منجر به قتل در تهران، براساس خشم لحظه ای و بدون آشنایی قبلی با مقتول بوده است. موسسه نظرسنجی گالوپ با بررسی احساسات مردم ۱۳۸ کشور از خشم و استرس گرفته تا اندوه و رنج، این نتایج را منتشر کرده است. موسسه گالوپ هزار نفر را در هر کشور در طول سال ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج، عراق با ۵۷ امتیاز و پس از آن ایران و مصر به ترتیب با ۵۳ و ۵۰ امتیاز جز غمگین ترین کشورهای دنیا هستند^۱.

۵. تأثیرات و پیامدهای رسانه‌های خارجی و شبکه‌های ماهواره‌ای: به عنوان مثال، شبکه ماهواره ای «من و تو» یکی از شبکه هایی است که با هدف آشکار تغییر در سبک زندگی ایرانی و اسلامی از چهار سال پیش راه اندازی شده است. مأموریت اصلی این شبکه، تلاش برای تغییر سبک زندگی مردم ایران و هجمه به ارزش های دینی و اسلامی است و این هدف را در قالب برنامه های سرگرمی و تفریحی و در سایه غفلت مخاطبان به آنها القا می کند. این شبکه با دست یازیدن به شیوه‌های اغواگری، با پخش برنامه های روز دنیا نظیر فیلم، سریال، موسیقی و برنامه های دیگر در طول سه سال گذشته مخاطبان خاصی برای خود پیدا کرده است. بررسی روند برنامه های این شبکه که در جهت ترویج فرهنگ غربی، شرابخواری، دفاع از فرقه ضاله بهائیت، ترویج موسیقی های شیطان پرستی، اشاعه روابط نامشروع زن و مرد و قبح شکنی از مفاسد اخلاقی و ... است، نشان می دهد که این شبکه درست در همان مسیری قدم برمی دارد که اربابان انگلیسی شان ملزم به آن شده اند.^۲

۶. اینترنت و شبکه‌های جدید اجتماعی: سایبرنتیک از لغت یونانی KUBERNETES به معنای سکاندار یا حاکم گرفته شده است. این لغت پس از ورود به زبان لاتین به GUBERNATOR تبدیل شد و بعدها در انگلیسی به صورت GOVERNOR به معنای حاکم در آمد. افلاطون این واژه را برای اشاره به دولت و دانشمند فرانسوی آمپر نیز کلمه LA CYBERNETIQUE را در علوم سیاسی و به معنای حکومت به کار برده است. این کلمه به معنای کنترل رفتارها به منظور هدایت، اعمال قدرت، قانونمند کردن، تحت سلطه گرفتن، مهار کردن و فرماندهی است.^۳

در سال‌های اخیر با گسترش ابزارهای جدید ارتباطی، شکل جدیدی از کنش سیاسی - اجتماعی در حال پیدایش است. در این راستا ابزارهایی مانند اینترنت، موبایل، و شبکه‌های ماهواره‌ای فضای مناسبی برای ایجاد ارتباط دوسویه و بعضاً

^۱ ایران، جزء غمگین ترین کشورهای جهان، در: <http://www.entekhab.ir/fa/news/165175/>

^۲ شبکه «من و تو» و ترویج اسلام به سبک انگلیسی، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۲، در: <http://www.psyop.ir/?p=40831>

^۳ <http://www.psyop.ir/?p=41431>

چند سويه ایجاد کرده‌اند. از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰م. جنبش‌های اجتماعی جدید، سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های اجتماعی - سیاسی، با حضور در فضای مجازی و ماهواره‌ها، اعتراضات شهروندان در مورد مسائل محلی، ملی، و جهانی را تجهیز نموده و جهت می‌دهند. بنابراین رسانه‌ها نوین از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و باورها و ایدئولوژی‌ها کنش‌گران اجتماعی گوناگون است و از سوی دیگر، منبع مهم آگاهی سیاسی - اجتماعی در جهان و ارتباط فعالان سیاسی با مردم و برانگیزنده رفتارهای اعتراضی است.^۱

رسانه‌ها که در ابتدا به عنوان ابزاری ساده برای انتقال معانی تلقی می‌شدند، در عصر حاضر دارای چنان جایگاهی شده‌اند که با تأسیس شاهراه‌های اطلاعاتی، کل حیات انسان را تحت تأثیر قرار داده و معانی و کنش‌های متفاوتی را در زندگی پدید آورده‌اند. هارولد اینس و مارشال لوهان به عنوان نخستین نظریه پردازان رسانه‌های ارتباطی، دیدگاه نسبتاً مشابهی درباره نقش رسانه‌ها دارند. نظر اینس این بود که منش و ماهیت رسانه‌های یک جامعه تأثیر نیرومندی بر سازمان آن جامعه می‌گذارد. همین دیدگاه را مک لوهان گسترش داد و این ایده را مطرح کرد که رسانه‌ها همان پیام هستند. به این معنا که ماهیت رسانه‌ها موجود در یک جامعه بسیار بیش از محتوا یا پیام‌های رسانه‌ها بر ساختار جامعه تأثیر می‌گذارند.^۲

یورگن هابرماس با نظریات خود مفهوم حوزه عمومی را به شکلی نوین وارد عرصه مطالعات سیاسی از جمله در زمینه ارتباطات و رسانه کرد و از این‌رو نقش وی در احیای مطالعات رسانه با ارجاع به مفهوم حوزه عمومی طی دهه‌های اخیر غیر قابل انکار است. هابرماس نیز با طرح نظریه دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، بر این باور است که می‌توان از اینترنت برای توانمندسازی جنبش‌های مدنی، اجتماعی، سیاسی، استفاده کرد؛ ساختار نامنسجم اینترنت، این امکان را برای جنبش‌های نوین اجتماعی فراهم می‌کند تا به فرآیندهایی در حال شکل‌گیری که محصول یک رشته برخوردهای اجتماعی هستند تبدیل شوند. رسانه‌های ارتباطی مدرن، همراه با تشکلهای داوطلبانه سیاسی و صنفی - حرفه‌ای، از اجزای تشکیل‌دهنده جامعه مدنی و عرصه عمومی‌اند که تولید و توزیع آگاهی‌های مدنی و نظارت بر حکومت را بر عهده دارند. در این زمینه بحث‌های هابرماس درباره نقش و تأثیر سیاسی رسانه‌ها در نظام‌های دموکراتیک را می‌توان در نخستین اثر معروف وی با عنوان «تحول ساختاری حوزه عمومی» مشاهده کرد. ایده هابرماسی حوزه عمومی در روند رهایی‌بخش، جایگاه اساسی دارد. تناسب و غنای نظریات هابرماس در زمینه ارتباطات انسانی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی به ویژه در علوم سیاسی و ارتباطات را بر آن داشته است که از نظریات وی در عرصه مطالعات مربوط به رسانه‌های نوین و دموکراسی استفاده کنند.^۳

آدام لیک^۴ کارشناس ارتباطات سیاسی درباره رابطه اطلاعات و ارتباطات با توسعه سیاسی و مردم‌سالاری، می‌نویسد: «هدف دموکراسی در اصل دسترسی مردم به قدرت سیاسی و کنترل آن است و در این عرصه دسترسی بیشتر به

۱. سردارنیا، ۱۳۸۷: ۱۵۴ - ۱۵۵

۲. گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۶۷

۳. میناوند، ۱۳۸۵، ۱۲۳

اطلاعات، دستمایه تحقق دموکراسی اصیل است. زیرا این امر شهروند معمولی را قادر می‌سازد تا به مشارکت آگاهانه در سیاست بپردازد.^۱ در واقع فضای سایبرنتیکی، فضای برای حضور مجازی کنش‌گران فردی، گروهی، و جمعی و آکنده از ارتباطات بین آن‌ها، تولید و انتقال اطلاعات و نهادهاست.

شانتی کلاتیلدر تبیین نقش رسانه‌های نوین ارتباطی بر این باور است که دسترسی عموم به رسانه‌های نوین اینترنتی، موجب دسترسی بخش‌های عظیمی از جامعه به اطلاعات و تصاویر ممنوعه شده و مخالفت مردم عادی را تشدید کرده است.^۲ اینترنت با جای دادن طیف وسیعی از بازیگران و کنش‌گران سیاسی - اجتماعی در فضای مجازی و سایبرنتیکی، از یک سو ابزاری برای تبلیغ و اشاعه نمادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و باورهای و ایدئولوژی کنش‌گران اجتماعی گوناگون بوده است و از سوی دیگر، منبع مهم آگاهی سیاسی - اجتماعی در جهان و ارتباط فعالان سیاسی با مردم بوده است.

ظهور و رواج تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs)^۳ در دو دهه گذشته - به ویژه انقلاب اینترنت در یک دوره بسیار کوتاه عرصه سیاست (عناصر سیاسی و روابط بین آنها را) دچار دگرگونی کرده است. در نتیجه ظهور تکنولوژی‌ها و ارتباطات کامپیوتری و دیجیتالی، امروزه تمام مفاهیم عرصه سیاسی با بهره‌گیری از صفتهایی تعریف می‌شوند که ماهیتی ارتباطی و اطلاعاتی دارند. مفاهیم پایه‌ای ICTs مانند الکترونیکی، دیجیتالی، مجازی، سایبر و آن‌لاین ماهیت جهان جدید را نشان می‌دهند: شهروندالکترونیکی، دولت مجازی/دیجیتالی، دموکراسی دیجیتالی/سایبر/الکترونیکی، حکومت الکترونیکی/آن‌لاین و امثال آنها اشاره به عصری دارند که در آن جامعه الکترونیکی - متشکل از انسان‌ها، اجتماعات و سازمان‌هایی دارای حداقل یک بعد وجودی الکترونیکی - و سیاست الکترونیکی در حال ظهور است.^۴ مانوئل کاستلز^۵، این شبکه‌ها که اکنون به کمک ابزاری چون اینترنت و شاهراه‌های بزرگ اطلاعاتی رخ نموده‌اند، را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

- قاعدتاً دارای استمرار زمانی به مفهوم جدید ارتباطی - اطلاعاتی هستند؛
- کنش متقابل مستمر آن در زمان و مکان جریان دارد؛
- جهت عمده ارتباطی به سوی همگرایی است و عوامل واگرا کم کم از داخل سیستم به صورتی خود به خود کنار گذاشته می‌شوند؛
- کلیت واحد شبکه‌ها، خواصی را به ظهور می‌رسانند که در تک تک اجزاء به تنهایی موجود نیست.^۶

^۱ . Lake, 1995: 4

^۲ . ضیایی پرور، ۱۳۸۸: ۱۲۷

^۳ تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs) مجموعه وسیع و متنوعی از فناوری‌هاست که برای برقراری ارتباط بین انسانها (ارسال و دریافت انواع پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) و نیز برای تولید، انتشار، نگهداری و بازیابی اطلاعات به کار می‌روند. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ترکیبی از سخت افزار، نرم‌افزار، رسانه‌ها و حتی سیستم‌های پخش و توزیع اطلاعات و محتوا را شامل می‌شود.

^۴ . منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۲۳۳-۲۳۴

^۵ Manuel Castles

^۶ . رفیع، ۱۳۸۷: ۱۰۲

بزرگراه‌های ارتباطی، ماهواره‌ها، وسایل ارتباط از راه دور، انفورماتیک، کامپیوترها، اینترنت، ماحصل تجارب و اندیشه‌های بشر هستند و همان طور که آلوین تافلر عصر فراصنعتی یا عصر ارتباطات و تبادل اطلاعات را «موج سوم» نامیده بود، اینک با پدیده اینترنت به سوی «موج چهارم» در حرکت هستیم و انفجار اطلاعات که از دهه ۱۹۸۰ به وجود آمده بود اینک در قرن بیست و یکم به وسیله وسایل چند رسانه‌ای به شدت نقل و انتقال و مبادله می‌شود و اطلاعات در حقیقت حکم موتور انرژی‌زا را دارند.^۱

اولین زمینه‌های اینترنت در دوره جنگ سرد شکل گرفت. اولین نطفه شبکه در پنتاگون یعنی ستاد فرماندهی ارتش آمریکا بسته شد. این شبکه در سال ۱۹۶۹ ایجاد شد و اولین نام آن شبکه آرپا (ARPA)^۲ بود؛ که مخفف آژانس پروژه‌های تحقیقات پیشرفته پنتاگون بود. تا مدت‌ها اینترنت مختص دانشگاه‌ها بود اما به زودی در تمام بخش‌ها و مشاغل دیگر جامعه توسعه پیدا کرد. به طور کلی می‌توان گفت اینترنت دارای سه تأثیر عمده می‌باشد:

نخست آن که اینترنت با ایجاد اشکال نو تعامل و فراهم کردن فضای ملاقات برای افراد و غلبه بر محدودیت‌های مکان و زمان، ترویج گفتگوی آزاد و دموکراتیک در جوامع اینترنتی، تقویت اقدام دسته‌جمعی به تجدید حیات اجتماعی می‌انجامد. هم‌چنین اینترنت با تسهیل جریان اطلاعات در دیدارهای رو در رو و فراهم آوردن زمینه‌های خود این دیدارها، مشارکت سازمانی را افزایش می‌دهد.

دوم آن که، اینترنت مانع توجه فرد به اجتماع واقعی می‌شود، و مهم‌تر اینکه همه کاربری‌های اینترنتی ماهیت اجتماعی ندارد، بیشتر فعالیت‌های صورت‌گرفته در اینترنت با هدف جستجوی اطلاعات یا پرداختن به تفریحات انفرادی صورت می‌گیرد.

و بالاخره این که، اینترنت سرمایه اجتماعی را تکمیل می‌کند. بر خلاف استدلال‌های مربوط به نقش اینترنت در افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی که بر تغییر چگونگی تعامل افراد در خارج از شبکه تمرکز دارد، در این دیدگاه زندگی روی شبکه در حکم نوعی گسترش فعالیت‌های خارج از شبکه نگریسته می‌شود. بر این مبنا ممکن است نقش اینترنت در حفظ پیوندهای موجود مؤثرتر از نقش آن در ایجاد پیوندهای جدید باشد.^۳

به نظر می‌رسد اینترنت افراد را بیش از گذشته وارد عرصه عمومی کرده است. شبکه‌های اجتماعی، جماعت‌های مجازی در فضای سایبر هستند که از طریق گروه‌های ایمیل، وبلاگ‌ها، چت‌روم‌ها و سایت‌های دوست‌یابی، محیطی را برای تعامل و تبادل آراء به وجود می‌آورند.^۴ ظهور جامعه شبکه‌ای، پیامدهایی از جمله ارائه واقعیت مجازی، سیاست بر بال رسانه، زمان بی‌زمانی و جنگ مجازی و تهدید نرم را هم‌زمان با انقلاب اطلاعاتی همراه خود آورده است. واسطه‌های الکترونیک، فرهنگ عصر اطلاعات را در چهارچوب انتقال نمادها شکل می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۵۴). در این زمینه

۱. رزاقی، ۱۳۸۱: ۱۱۰.

۲. **Advances Research Projects Agency.**

۳. مستقیمی و واسعی زاده، ۱۳۸۹: ۲۸۵-۲۸۴.

۴. <http://usinfo.state.gov/usinfo/>

ژان بودریار - اندیشمند سیاسی فرانسوی - بر این بارو است که امروز در جامعه مدرن شاهد گزار از مرحله مادی به مرحله نمادین و وانمودگی هستیم در جامعه جدید اصالت با نشانه‌ها و نمودها (شبکه‌های اجتماعی) می‌باشد.^۱ گوگل، یاهو، یوتیوب، فیس بوک، ویکی پدیا، بلاگر و مای اسپیس از جمله پربازدیدترین سایت‌های اینترنتی هستند، اما ۵۰ درصد سایت‌های پربازدید در دنیا را شبکه‌های اجتماعی تشکیل می‌دهند که این امر نشان از اهمیت این شبکه‌ها دارد. یک شبکه اجتماعی سایت یا مجموعه سایتی است که به کاربران این امکان را می‌دهد که علاقمندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خودشان را با دیگران به اشتراک بگذارند.

گسترش موبایل و افزایش امکانات جانبی گوشی‌های تلفن همراه، بسیاری از تولیدات پورنو را در دسترس جامعه بزرگی از مخاطبان از دانش‌آموزان دبستانی دختر و پسر تا بزرگسالان قرار می‌دهد. اینهمه در حالی است که موبایل تنها امکانی برای مکالمه صرف صوتی و یا ارتباط مکتوب پیامکی است و به یقین و به طریق اولی، گسترش یک ابزار فراگیر صوتی-تصویری همه‌جائی و بدون کنترل، بسیار مخرب خواهد بود. کاهش سن ابتلا در دام تجربه‌های جنسی غیر شرعی، از سن ۲۷ سال در اواخر دهه ۶۰ به سنینی پائین‌تر از ۱۷ سال در اواخر دهه ۷۰ نشان از ارتباط نزدیک میان گسترش امکانات ارتباطی جدید و ناهنجاری‌های اجتماعی دارد.^۲

نسل جدید یا نسل سی (Generation C) -عنوان جدیدی که به نسل رشد یافته با تکنولوژی‌های جدید ارتباطی گفته می‌شود- رسانه‌های اجتماعی را به کار می‌گیرند و زندگی شخصی‌شان را با شبکه‌دوستانشان به اشتراک می‌گذارند. آنها در رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌ای از دوستان و آشنایانشان به وجود می‌آورند و در آن به تعامل درباره خودشان و موضوعات مورد علاقه‌شان می‌پردازند. رفتار جمعی اعضای این نسل در شبکه‌های اجتماعی به رفتار جمعی زنبورها تشبیه شده است که حول موضوعات مورد علاقه مشترک‌شان گرد هم می‌آیند. وب‌گاه فیس بوک بیش از یک میلیارد نفر کاربر دارد و هم‌اکنون به ۴۰ زبان، قابل دسترس بوده و ۷۰ درصد از کاربران آن در خارج از ایالات متحده هستند. محیط فیس بوک در واقع مجلسی از دوستان و آشنایان یک کاربر به شمار می‌آید. فیس بوک با ارائه امکان عضوگیری در تعداد بالا، به کاربران اجازه می‌دهد تا در هر لحظه، دوستان جدیدی را به مجموعه دوستان خود اضافه کنند.

کاربران در فیس بوک یک صفحه شخصی دارند. می‌توانند گروه تاسیس کنند یا در گروه‌های دیگر عضو شوند. کاربران می‌توانند برای خود آلبوم عکس انتخاب کنند و افرادی را به لیست دوستانشان اضافه کنند. طبق آمار وب‌سایت insidefacebook.com معادل ۴/۴۶ درصد از کاربران فیس بوک زیر ۲۵ ساله‌اند و سن ۶/۲۰ درصدشان زیر ۱۷ سال است. به علاوه، آمار OnGuard Online نشان می‌دهد که ۲۲ درصد از افراد ۱۶ تا ۲۴ ساله، کسانی را که اطلاعات‌شان را با آنان در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند، نمی‌شناسند. نوجوانان و جوانان، اشتیاق فراوانی

^۱ روزنامه ایران، ۲/ ۴/ ۱۳۸۲

^۲ میثم هدایت طلب، رایتل؛ توسعه یا تهدید / آیا زندگی به سبک رایتل راحت‌تر می‌شود؟ <http://iphone.eo313.ir/>

برای کار در شبکه های اجتماعی دارند و به ندرت متوجه عواقب افراط در به اشتراک گذاری اطلاعات هستند. براساس تازه ترین گزارش ها در حال حاضر نزدیک به ۷/۵ میلیون نفر از کاربران فیس بوک نیز زیر ۱۳ سال هستند. شبکه های اجتماعی فیس بوک جایگاه خاصی در جامعه ایران باز کرده به گونه ای که از اقشار مختلف جامعه ایرانی از جمله دانشجویان، استادان، کارمندان، بازاریان، معلمان، دانش آموزان و هنرمندان به همراه روزنامه نگاران در آن عضو هستند. نتایج آخرین پژوهش انجام شده در کشور بیانگر آن است که میان عضویت در شبکه های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان، ارتباط مستقیمی وجود دارد. ۳۰/۶ درصد مردان و ۴۱/۳ درصد زنان معتقدند که شبکه های اجتماعی اینترنتی توانسته است به میزان بالایی در نوع ادبیات افراد جامعه موثر باشد. همچنین ۴۹/۵ درصد زنان و ۴۱/۴ درصد مردان بر این باور هستند که عضویت در شبکه های اجتماعی اینترنتی در مقادیر متوسط به بالا توانسته است بر سبک پوشش آنها در جامعه موثر باشد. به طور کلی، سبک زندگی از مولفه های مختلفی تشکیل شده است از جمله:

۱. ظاهر افراد (لباس، سبک مو و مشخصات)

۲. رفتار آنها (ژست ها حرکات و مناسک)

۳. ذائقه و قریحه آنها (استفاده از موسیقی و سایر اشکال زیبایی شناسانه)

۴. زبان مخفی آنها شامل تکیه کلام، گنجینه لغات و الگوی تکلم^۱.

سبک زندگی آمریکایی بر پایه حیا زدایی استوار شده است. اگر باور ندارید به چند مثال زیر توجه فرمایید:

مثال ۱- به نقل از روانشناسی کاپلان - کتاب معتبر دانشگاهی - چاپ ۱۹۹۲:

"۰/۱۰۰ مردان آمریکایی بعد از ازدواج خارج از نظام خانواده رابطه آزاد جنسی (با یک تا چندین نفر) دارند، اما ۶۰٪ زنان آمریکایی بعد از ازدواج این رابطه را دارند!" اگر شما سریال ماهواره ای « ویکتوریا » را دنبال کرده باشید تبلیغ این موضوع را به وضوح می بینید.

مثال ۲. کل فیلم های تولیدی در هالیوود در طول یک سال حدود ۹۰۰۰ ساعت می شود اما در غرب سالیانه ۲۰,۰۰۰ ساعت فیلم پرونو (مبتذل) ساخته می شود و صدها شبکه ماهواره ای آنها را پخش می کنند.

مثال ۳. مرد مطلوب در زندگی غربی، جیمز باند است که سه ویژگی اصلی در تمام فیلم هایش وجود دارد: « قمار، مشروب، سکس ».

مثال ۴. رفتن به دیسکو (جلسات رقص مختلط در مشروب فروشی ها) برنامه ثابت آخر روز یک جوان کانادایی تا سن

^۱. فیس بوک با زندگی ما چه می کند؟، ۱۲ خرداد ۱۳۹۲، در: <http://www.psyop.ir/?p=49491>

۲۸ سالگی است و بعد از این سن او باید به فکر تشکیل خانواده بیفتد! در دیگر کشورهای غربی هم وضع تقریباً به همین صورت است.^۱

۶. شکسته شدن حریم خصوصی افراد: با فراگیر شدن اینترنت روز به روز بر تعداد کاربران دنیای ارتباطات و اطلاعات افزوده می‌شود؛ کاربرانی که از هرگونه فعالیت آنها در این دنیای بزرگ ردپایی برجا می‌ماند. در حقیقت همه این تحولات را می‌توان نخستین قدم‌ها برای فرو ریختن دیوارهای سنتی حریم خصوصی زندگی افراد دانست که امروز پس از گذشت چند سال به آن‌ها برگشته‌ایم. همچنین، در گذشته‌های نه‌چندان دور، تنها با یک راهکار ساده یعنی با ممنوعیت استفاده از دوربین در مکان‌های عمومی می‌توانستیم حفظ حریم خصوصی زندگی افراد را تضمین کنیم؛ اما وقتی گوشی‌های تلفن همراهی به بازار عرضه شد که دوربین‌هایی با قابلیت عکاسی و فیلمبرداری را در خود جای داده بودند، حریم خصوصی رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. معرفی عینک گوگل، دلپره و اضطراب جدیدی در دل کاربران محصولات دیجیتال ایجاد کرده که ناشی از خطری است که بیش از پیش حریم خصوصی کاربران دنیای دیجیتال را تهدید می‌کند. با این که در بسیاری از اماکن عمومی، عکاسی و فیلمبرداری ممنوع است، عینک گوگل این قابلیت را دارد که بتوان بدون این که کسی متوجه شود به کمک آن مخفیانه عکس گرفت یا فیلمبرداری کرد. دوربین این عینک به اینترنت متصل است و می‌تواند به طور مداوم عکس‌هایی که می‌گیرد و فیلم‌هایی که ضبط می‌کند را از طریق اینترنت در دسترس همه قرار دهد. در دنیای امروز، فناوری‌های نوین ارتباطی مانند شبکه‌های اجتماعی به راهکارهایی مجهز شده‌اند که به کمک آنها می‌توانند به اطلاعات شخصی درباره افراد دسترسی داشته باشند. بنابراین تردیدی نیست در چنین شرایطی پیشرفت فناوری بویژه فناوری‌های ارتباطی و ورود نسل جدید ابزارهای ارتباطی مانند عینک گوگل که سر و صدای زیادی در دنیای دیجیتال به راه انداخته است، به نوعی به منزله ورود مخفیانه به حریم زندگی خصوصی کاربران دنیای دیجیتال باشد.^۲

۷. فقر و بیکاری: فقر از جمله عواملی است که بواسطه فشار روحی‌ای که برای فرد ایجاد می‌کند باعث می‌شود حوصله و توان برای غلبه بر خشم و ناراحتی از انسان سلب گشته و بالطبع اخلاق را با تندی و بدی توأم سازد. بنابراین وظیفه جامعه در دو جهت، اولاً اجتماعی یعنی کمک دولت به اقشار آسیب‌دیده و کنترل عدالت اجتماعی برای حفظ شان اقتصادی مردم، و ثانیاً فردی یعنی کمک افراد به یکدیگر و تقویت فرهنگ دستگیری و قرض الحسنه و مفاهیمی چون خمس و زکات و صدقه برای تقویت رفاه عمومی مردم ضروری می‌نماید.

^۱ جزوه انوار(سبک زندگی، فرصت‌ها و تهدیدها)، روابط عمومی اتحادیه استان

http://www.jonbesh.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=70&Itemid=9

^۲ زندگی دیجیتال؛ تهدید یا فرصت؟، ۱۱ خرداد ۱۳۹۲، در: <http://www.psyop.ir/?p=49291>

۸. دروغ‌گویی، خشم و تعرض به حقوق دیگران؛ به مثابه ناهنجارهایی هستند که آفت‌های سبک‌زندگی اسلامی هستند. متأسفانه در جامعه شاهد می‌شود که با محوریت نوعی خودمحوری افراطی، افراد حاضر به پذیرش روشن‌ترین قواعد اجتماعی نیستند. خشم و کاهش آستانه تحمل اجتماعی از دیگر معضلات و چالش‌هایی است که سبک‌زندگی جامعه ما را به شدت تهدید می‌کند. مثلاً در حوزه رانندگی شاهد هستیم که برخی افراد بدون هیچ توجهی به قوانین و هنجارهای اجتماعی، به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند و در این راه از هیچ اقدام خشنی هم دریغ نمی‌کنند. یکی دیگر از آسیب‌های جدی زندگی امروزم، دچار شدن به آفت خطرناک دروغ است. امام حسن عسگری (ع) در این باره به صراحت می‌فرماید: «تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است».

۹. افزایش طلاق و تزلزل نهاد خانواده یکی از مسائلی است که متأسفانه رو به گسترش است. در این میان، فمینیست‌های افراطی هم آگاهانه و ناآگاهانه به نهاد خانواده ضربه زده‌اند. طلاق یکی از مهمترین شواهد نارضایتی از نهاد خانواده است که مبتنی بر تعهدات بلندمدت متقابل اعضا است. در تمامی جوامع توسعه یافته سن ازدواج بالا رفته و اشکال دیگر روابط زنان و مردان، به عنوان رقیب ازدواج رسمی و تشکیل نهاد خانواده وارد صحنه شده است. در ایران اگرچه میزان مشارکت اقتصادی زنان در ۳۵ سال گذشته افزایش نیافته است، اما رشد باسوادی زنان، رشد تحصیلات عالی زنان (در سال تحصیلی ۱۳۹۱ بیش از ۶۰ درصد راه‌یافتگان به دانشگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دادند)^۱، گسترش ایده‌های فمینیستی و مشکلات اقتصادی، مشکلات در برقراری روابط جنسی، خیانت در روابط زناشویی، اعتیاد، ... موجب تضعیف خانواده و افزایش میزان طلاق شده است. متأسفانه در کنار مشکل طلاق، مسئله دیگری به نام «ازدواج سفید»- زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج- در سال‌های اخیر به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرده است.^۲ همچنین این را هم باید در نظر بگیریم که طلاق در ایران، هم محدودیت‌های قانونی دارد و هم موانع عرفی. به همین دلیل است که خیلی‌ها موفق به جدایی نمی‌شوند (مانند زنانی که می‌خواهند از شوهرانشان جدا شوند ولی نمی‌توانند) و بسیاری هم به دلیل فضای فرهنگی جدا نمی‌شوند و ترجیح می‌دهند بسوزند و بسازند (مانند بسیاری از خانواده‌های سنتی به ویژه در مناطق روستایی).^۳ یک نوع خانواده مبتنی بر نوعی طلاق نیز در دهه گذشته رشد زیادی داشته است. طلاق عاطفی به این معنا که زن و شوهر عملاً از هم جدا هستند و هیچ رابطه‌ی عاطفی ندارند، اما به دلایل اجتماعی، اقتصادی و یا خانوادگی مثل حمایت از فرزندان با هم زندگی می‌کنند.

میزان طلاق از ۱۶،۵ درصد در سال ۱۳۴۴ به ۸،۳ درصد در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت. در سال ۱۳۷۹ هنوز با طلاق ۸،۳ درصدی مواجه بودیم. اما طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ میزان طلاق از ۱۰،۷ به حدود ۲۰ درصد افزایش یافت، اما هنوز با میزان طلاق جوامع توسعه یافته غربی فاصله زیادی دارد. طی شصت سال گذشته، طلاق در جوامع غربی دائماً افزایش یافته است. در آمریکا در سال‌ها ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، به ترتیب، ۴۲ درصد، ۵۹ درصد و ۵۵ درصد ازدواج‌ها به طلاق انجامیده است. در اروپا، در سال ۲۰۱۰، دو میلیون و دویست هزار ازدواج صورت گرفته و در سال ۲۰۰۹، یک میلیون

^۱ . <http://isna.ir/fa/news/91062112796/>

^۲ . <http://ebtekarnews.com/Ebtekar/News.aspx?NID=130766>

^۳ . "فروپاشی بنیان خانواده‌ها"؛ در غرب یا ایران؟، در: <http://asriran.com/fa/News.aspx?NID=130766/315266/>

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی بشیرت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

طلاق صورت گرفته است. به تعبیر دیگر، کمی بیش از ۴۵ درصد ازدواج‌ها به طلاق منتهی شده است.^۱ فرانسه، حدود ۶۶ میلیون نفر جمعیت دارد و در سال ۲۰۱۳م، حدود ۱۳۳ هزار طلاق در آن به ثبت رسید. در همین سال در آلمان ۸۲ میلیون نفری، حدود ۱۹۰ هزار طلاق به وقوع پیوسته است. انگلیس ۶۰ میلیونی هم ۱۴۴ هزار طلاق در سال دارد.^۲

در جدول زیر، میزان نرخ طلاق در دوران پس از انقلاب آمده است:^۳

سال	ازدواج	طلاق	درصد طلاق
۱۳۵۸	۳۰۲۶۶۷	۲۱۱۷۰	۷
۱۳۵۹	۳۳۷۱۱۹	۲۳۹۸۷	۷،۱
۱۳۶۰	۲۹۴۴۹۹	۲۴۴۲۳	۸،۳
۱۳۶۱	۳۵۳۹۴۴	۳۱۲۲۱	۸،۸
۱۳۶۲	۴۱۰۷۷۹	۳۵۸۶۷	۸،۷
۱۳۶۳	۳۸۴۸۷۶	۳۵۱۷۸	۹،۱
۱۳۶۴	۴۰۸۲۸۲	۳۸۹۸۳	۹،۵
۱۳۶۵	۳۴۰۳۴۲	۳۵۲۱۱	۱۰،۳
۱۳۶۶	۳۴۶۶۵۲	۳۳۴۳۳	۹،۶
۱۳۶۷	۳۶۱۹۴۵	۳۳۱۱۴	۹،۱
۱۳۶۸	۴۵۸۷۰۸	۳۳۹۴۳	۷،۴
۱۳۶۹	۴۵۴۹۶۳	۳۷۸۲۷	۸،۳
۱۳۷۰	۴۴۸۸۵۱	۳۹۳۳۶	۸،۸
۱۳۷۱	۴۲۲۴۵۷	۳۳۹۸۳	۸
۱۳۷۲	۴۶۳۴۸۷	۲۹۳۱۲	۶،۳
۱۳۷۳	۴۵۳۶۷۱	۳۲۷۰۶	۷،۲
۱۳۷۴	۴۶۲۸۵۵	۳۴۷۳۸	۷،۵

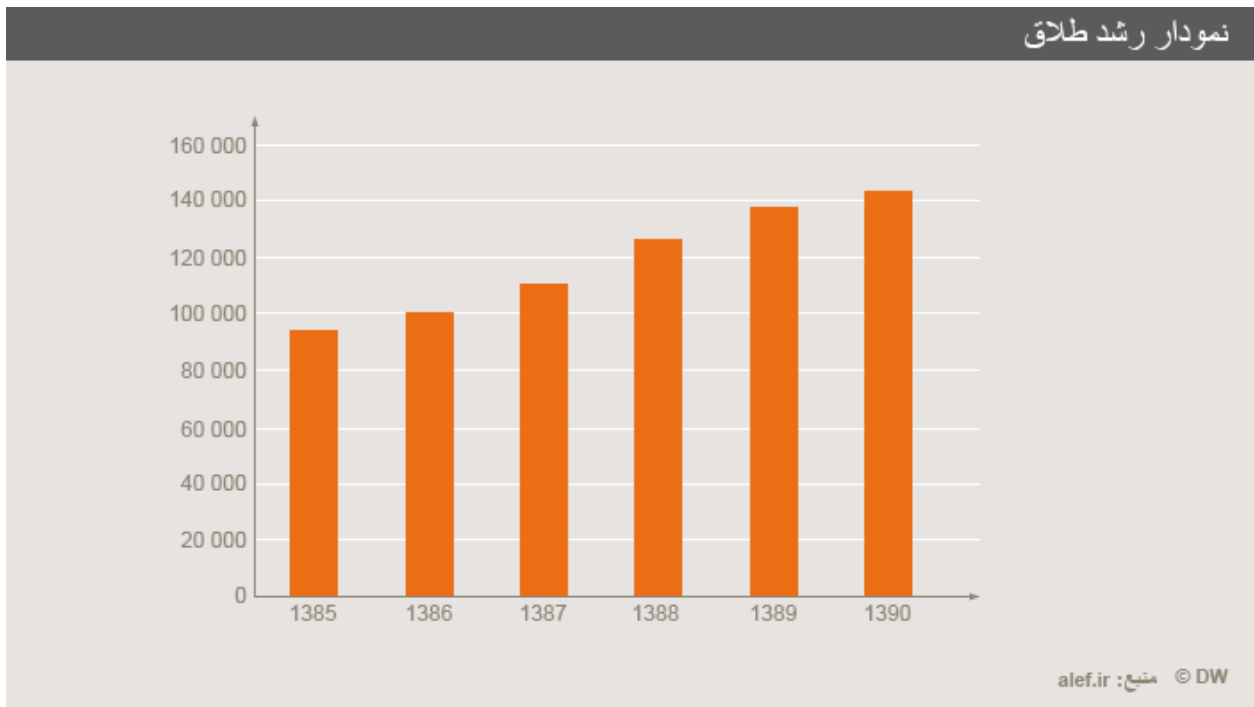
^۱. http://hoffingtonpost.com/2013/11/04/us-divorce-rate_n_4184261.html

^۲. "فروپاشی بنیان خانواده ها"؛ در غرب یا ایران؟، در: <http://asriran.com/fa/News.aspx?NID=130766/315266/>

^۳. سایت رسمی سازمان ثبت احوال، در: <http://sabteahval.ir/module/News/Shownews/pages-2086.aspx?NewsId=17702>

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۷.۹	۳۷۸۱۷	۴۷۹۲۶۳	۱۳۷۵
۸.۲	۴۱۸۱۶	۵۱۱۴۰۱	۱۳۷۶
۸	۴۲۳۹۱	۵۳۱۴۹۰	۱۳۷۷
۸.۳	۵۱۰۴۴	۶۱۱۰۷۳	۱۳۷۸
۸.۳	۵۳۷۹۷	۶۴۶۴۹۸	۱۳۷۹
۹.۵	۶۰۵۵۹	۶۴۰۷۱۰	۱۳۸۰
۱۰.۳	۶۷۲۵۶	۶۵۰۹۶۰	۱۳۸۱
۱۰.۶	۷۲۳۵۹	۶۸۱۰۳۴	۱۳۸۲
۱۰.۲	۷۳۸۸۲	۷۲۳۹۷۶	۱۳۸۳
۱۰.۷	۸۴۲۴۱	۷۸۷۸۱۸	۱۳۸۴
۱۲	۹۴۰۳۹	۷۷۸۲۹۱	۱۳۸۵
۱۱.۸	۹۹۸۵۲	۸۴۱۱۰۷	۱۳۸۶
۱۲.۵	۱۱۰۵۱۰	۸۸۱۵۹۲	۱۳۸۷
۱۴.۱	۱۲۵۷۴۷	۸۹۰۲۰۸	۱۳۸۸
۱۵.۴	۱۳۷۲۰۰	۸۹۱۶۲۷	۱۳۸۹
۱۶.۳	۱۴۲۸۴۱	۸۷۴۷۹۲	۱۳۹۰
۱۸.۱	۱۵۰۳۲۴	۸۲۹۹۶۸	۱۳۹۱
۲۰	*۱۵۵۳۶۹	۷۷۴۵۱۳	۱۳۹۲



بر اساس آخرین داده‌ها در این زمینه، علی‌اکبر محزون - مدیرکل دفتر جمعیت، آمار و اطلاعات مهاجرتی سازمان ثبت احوال کشور- در ۱۷ خرداد ۱۳۹۳ طی مصاحبه‌ای گفت: «طی دو ماه اخیر در هر ساعت ۱۵ واقعه طلاق در کشور به ثبت رسیده و استان تهران بیشترین میزان طلاق را داشته است. در مجموع طی این مدت، ۲۱ هزار و ۵۸۴ طلاق در سراسر کشور به ثبت رسیده است. گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال بیشترین طلاق زوجین را تشکیل می‌دهد و از این تعداد، ۱۹ هزار و ۶۲۹ واقعه طلاق در شهرها و یک‌هزار و ۹۵۵ واقعه طلاق نیز در روستاها رخ داده است. به عبارتی دیگر بطور متوسط، ماهانه ۱۰ هزار و ۸۹۲ واقعه طلاق و یا در هر شبانه روز ۳۴۸ واقعه طلاق به ثبت رسیده است. ۱۴,۲ درصد طلاق‌ها مربوط به سال اول زندگی و حدود ۵۰ درصد طلاق‌ها نیز مربوط به پنج سال اول زندگی است. به گفته این مقام مسوول در ثبت احوال، بیشترین واقعه طلاق در تهران با چهار هزار و ۲۵۰ مورد، خراسان رضوی دو هزار و ۲۲ مورد و خوزستان با یک‌هزار و ۳۰۱ مورد بوده است»^۱.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نهاد خانواده را به عنوان یکی از اصول فرهنگی اسلام معرفی کرده و فروپاشی نهاد خانواده در کشورهای غربی را به عنوان یکی از نشانه‌های انحطاط اخلاقی و فروپاشی غرب می‌دانند. به نظر ایشان، خانواده به عنوان «سلول اصلی جامعه» باید حفظ شود تا جامعه گرفتار انواع و اقسام ناهنجاری‌ها- از جمله فساد و شهوت‌رانی- نشود. ایشان در روز چهاردهم دی ماه سال ۱۳۹۰ می‌گویند: «غرب در قضیه زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر می‌برد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است.»

^۱ ثبت ۱۵ طلاق در هر ساعت در ۲ ماه اخیر، <http://www.asriran.com/fa/news/339527/>

همچنین در روز ۲۳ مهرماه سال ۱۳۹۱ ضمن آسیب‌شناسی فرهنگی بیان می‌دارند: «چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ ... چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟»

توصیه‌هایی برای مدیریت هویت و سبک زندگی ایرانی - اسلامی

۱. تلاش برای ارائه الگویی دقیق و اصیل از سبک زندگی اسلامی، مستلزم اتخاذ رویکردی آگاهانه و خلاقانه است که در برگزیده اهتمام و توجه کافی به همه ابعاد فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و تاریخی از سوی متفکران و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی می‌باشد. بنابراین باید با نگاهی دقیق و همه‌جانبه به ارائه سبک زندگی اسلامی- ایرانی پرداخت و با پرهیز از سطحی‌نگری، هیچ یک از ابعاد آن را به قیمت تقویت دیگری نفی یا انکار نکرد. نگاهی به سیره و عمل اولیاء و انبیاء الهی و امامان معصوم به خوبی نشان می‌دهد که عمل بر شیوه و موازین اسلامی و تحقق آن در قالب الگویی اسلامی که سازنده ی شیوه و سبک زندگی سالم اجتماعی باشد نیازمند ظرافت‌های است که در شکل نخستین آن اصلاح شیوه‌های سیاستگذاری نامناسب و به ترتیب بازخورد پذیری و نظارت پذیری اجتماعی قرار دارد. اگر در یک نظام سیاستگذاری فرایندهای مرتبط با تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی و بازخورد مورد توجه قرار نگیرد، عموماً الگوهای هنجاری و رفتارهای مردم در سطح و بستر بینش‌ها دچار تغییر و دگرگونی میشود که نتیجه و برون داد آن شیوع فرهنگ مصرف‌گرایی، بی‌نظمی رفتاری، افراط‌ها و تفریط‌های نامعقول و متعدد اجتماعی خواهد بود که خود را در قالب تهدیدی برای حیات سالم اجتماعی معرفی می‌کنند. لذا ضرورت دارد که هر نهادی که مرتبط با فرایندهای سیاستگذاری و اجرا در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هستند وظایف خود را متناسب با قانون و ضرورت‌های جامعه و اهداف انقلاب اسلامی تنظیم کنند تا بستر تحقق اهداف والا و ارزشمند انقلاب مقدس اسلامیمان، فراهم گردد قطعاً انجام هر گونه اقدامی که در توان ماست، کمترین وظیفه‌ای است که در مقابل مردم خود را مجبور به انجام آن می‌دانیم (www.psyop.ir). بنابراین، باید «مراقب باشیم دچار سطحی‌گری و ظاهرگرایی نشویم، دچار تحجر نشویم - این یک طرف قضیه است - دچار سکولاریزم پنهان هم نشویم. گاهی اوقات در ظاهر، تبلیغات، تبلیغات دینی است؛ حرف، حرف دینی است؛ شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن، سکولاریسم است؛ جدائی دین از زندگی است؛ آنچه که بر زبان جاری میشود، در برنامه‌ریزی‌ها و در عمل دخالتی ندارد. ادعا می‌کنیم، حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم؛ اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، از آنچه که شعار دادیم، خبری نیست»

(<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9985>)

۲. در رسانه باید در این مسیر از برجسته‌ترین و باسوادترین افراد در دو بخش علمی و اجرایی کمک گرفت تا بتوانند با بهره‌گیری از دانش کافی (دارای اعتبار و جایگاه علمی) و ابزارهای فنی لازم (کیفیت تصاویر، نوع رنگ‌ها، صحنه‌آرایی‌ها، دکورهای مفهومی، مجریان توانمند، موسیقی‌های فاخر و البته مخاطب‌پسند) فرصت لازم را برای انعکاس ظرفیت‌های فرهنگی - عقیدتی در حوزه سبک زندگی اسلامی فراهم آورند. «یکی از نکاتی که باید در مواجهه‌ی با دنیای غرب کاملاً به آن توجه داشت، عامل و ابزار هنری است که در اختیار غربی‌هاست. اینها از هنر حداکثر استفاده را کرده‌اند برای ترویج این فرهنگ غلط و منحط و هویت‌سوز؛ بخصوص از هنرهای نمایشی، بخصوص از سینما حداکثر استفاده را کرده‌اند. اینها به صورت پروژه‌ای یک ملت را تحت مطالعه قرار می‌دهند، نقاط ضعفش را پیدا می‌کنند، از روان‌شناس و جامعه‌شناس و مورخ و هنرمند و اینها استفاده می‌کنند، راههای تسلط بر این ملت را پیدا می‌کنند؛ بعد به فیلمساز، به فلان بنگاه هنری در هالیوود سفارش می‌کنند که بسازد و میسازد. بسیاری از فیلمهایی که برای ماها و برای کشورهای نظیر ما می‌سازند، از این قبیل است... سلیقه‌سازی می‌کنند، فرهنگ‌سازی می‌کنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد می‌کند، نیروهای نظامی و ژنرالها را وارد می‌کنند. این، شیوه‌ی حرکت غربی‌هاست؛ باید مراقب بود» (<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9985>).

۳. یکی از الزامات تثبیت الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی، ارائه ساخت و موقعیتی هماهنگ در جامعه است. اگر این بحث بیانگر عمق استراتژیک نظام است، نمی‌توان در گفتار سخن از حرمت فضای خصوصی در خانواده و آداب معاشرت اعضای خانواده کرد، ولی در برنامه‌های رسانه‌ای نوع دیگری از رابطه را ارائه کرد یا از آشپزخانه open و ویلاهای بدون هویت برای خانواده ایرانی، سبک مطلوب هویتی را در قالب تبلیغ فلان کرم و سفید کننده پوست ارائه کرد! البته ما می‌توانیم از دستاورد دیگران - چه در حوزه عملی و چه در حوزه نظری - بهره ببریم و نباید خودمان را محروم کنیم. نباید بن‌بست‌هایی را که دیگران آزموده‌اند، دوباره بیازماییم. می‌توان با بعضی از آجرهای آنها بنای خودمان را بسازیم. سبک‌های زندگی‌ای که از این رهگذر ایجاد می‌شوند، فرصت مفاهمه و ایجاد گرایش آنها را به فرهنگ غنی اسلامی با سرعتی بیشتر فراهم خواهند کرد (سعید مهدوی کنی، سبک زندگی اسلامی یا سبک‌های زندگی اسلامی؟ در: <http://www.teribon.ir/archives/205493/>).

۴. اصلاح سبک معماری و شهرسازی و بهره‌گیری از نمادها و نشانگان اسلامی در راستای بازنمایی سبک زندگی اسلامی در هویت شهری ضرورتی است که نیازمند عزم جدی بخش‌های مختلف به ویژه متولیان این حوزه می‌باشد.

۵. اصلاح ساختار روابط انسانی در جامعه و تحکیم ارزش‌های دینی از جمله صلح ارحام، سنت‌های ارزشمند خانوادگی و فضیلت تکریم خانواده و بزرگان باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه، باید از کارشناسان و متخصصین برای ارائه یک برنامه بلندمدت کمک گرفت تا بتوان نسل‌های مختلف را در حوزه‌های نظیر معیارهای مناسب زندگی، تحصیل، ازدواج و اشتغال مدیریت کرد. توجه تولیدکنندگان آثار سینمایی در احیاء و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی مثل گذشت، فروتنی، حیاء و شرم، مهربانی، حرمت به زنان، حق همسایگی، عدم دخالت در

زندگی دیگران، اعتماد و اعتقاد، و کسب مال حلال. در این بین، توجه به نقش جایگاه زنان و مادران جامعه و درک جایگاه مهم آنها در تربیت نسل‌های آتی ضروری است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گویند: «دو دیدگاه متحجرانه و غربی در خصوص زن و خانواده و تبعات منفی آن برای زنان در جهان تأکید شده است: باید با طرح ادبیات جدید در حوزه زنان که دارای ویژگیهای برگرفته شده از اصول و دستورات اسلام است، گفتمان جذاب اسلامی را در مجامع بین المللی مطرح کرد» (<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=contentShow&id=8999>). باید توجه داشته باشیم که مردم بیشترین تأثیر در سبک زندگی را از رسانه‌ها می‌پذیرند، به عنوان مثال زمانی که سریالی پخش می‌شود، نام بازیگران آن در سال، نام برجسته‌ی ثبت احوال می‌شود و این بدین معناست که مردم تحت تأثیر حتی کلمات و رفتار بازیگران قرار می‌گیرند. بنابراین لازم است که در صدا و سیما برنامه‌هایی ساخته شود تا سبک زندگی دینی با بومی سازی در فضای امروز جامعه ما قرار گیرد.

۶. ضعف آشکار بسیاری از پژوهش‌ها و تحلیل‌ها پیرامون سبک زندگی، غفلت از جایگاه دین اسلام و مکتب شیعه در سنت و تاریخ و هویت جامعه ایرانی است. به نظر می‌رسد به این دلیل در منشور ارائه شده از سوی مقام معظم رهبری تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اعم از: هویت (فهم از خود، فهم از جامعه، فهم از تاریخ و...)، ارزش‌ها (هم صفات آرمانی و هم انسان‌های آرمانی)، معماری شهری و خانگی، نظام آموزش، زبان و ادبیات، هنر، خانواده (نظام و نقش)، روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی، دین داری فردی و اجتماعی، نظام اقتصادی فردی و خانواده، نظام تغذیه و طب فردی و خانواده، رسانه، تکنولوژی، نحوه نگرش به عالم، نگرش به نظام سیاسی اجتماعی با مباحث دینی و اسلامی پیوند خورده است. مقام معظم رهبری در این باره بیان می‌دارند: «انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد، انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت‌وآمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست، در مورد تعاون هست، در زمینه‌ی رفتار با دوست هست، در زمینه‌ی رفتار با دشمن هست. در همه‌ی چیزها، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است، یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد؛ که اهل استنباط و اهل نظر میتوانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند» (<http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9985>).

۷. در وزارت علوم آموزش و پرورش، سبک زندگی به عنوان یک برنامه کلان در تمام دوره‌های تحصیلی پیگیری شود و این بحث به مثابه امری صوری و مقطعی که فقط دو واحد درسی به آن اختصاص یابد، قلمداد نشود. بلکه روح حاکم بر نهادهای آموزشی می‌بایست ارائه کننده رهنمودهایی عملی در حوزه سبک زندگی اسلامی ایرانی باشد.

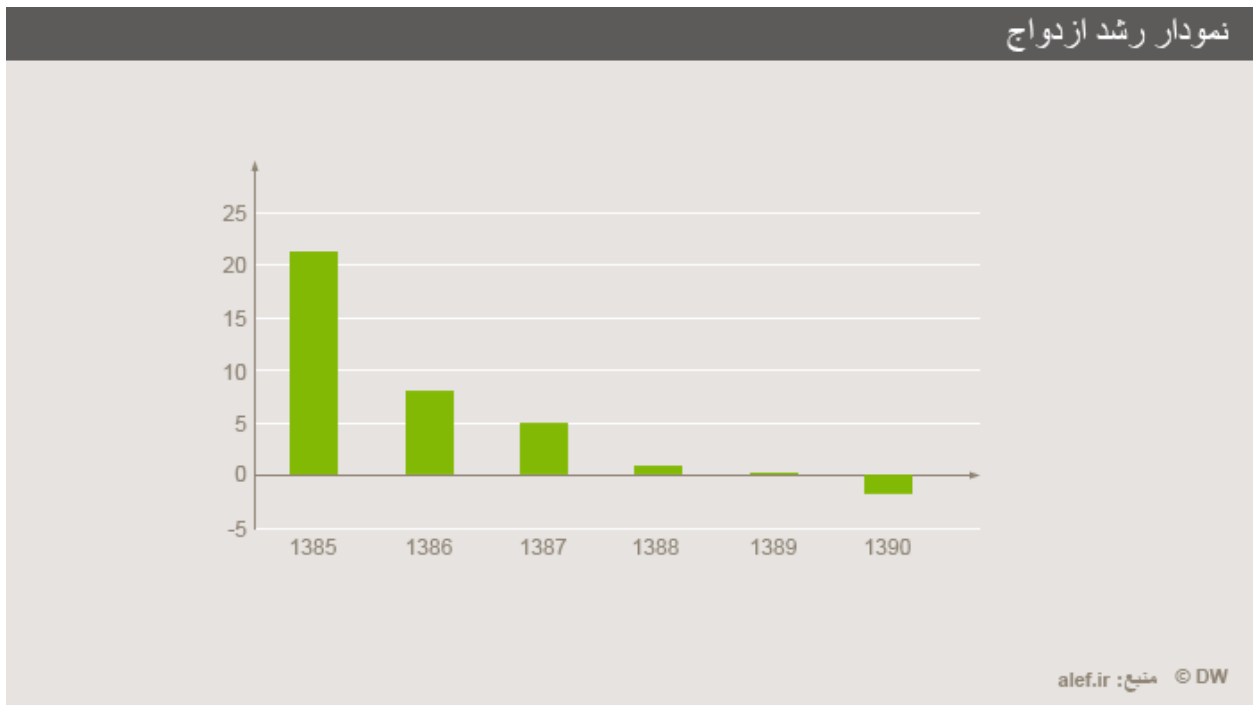
۸. دروغ‌گویی، خشم و تعرض به حقوق دیگران؛ به مثابه ناهنجارهایی هستند که آفت‌های سبک زندگی اسلامی هستند. متأسفانه در جامعه مشاهده می‌شود که با محوریت نوعی خودمحوری افراطی، افراد حاضر به پذیرش روشن‌ترین قواعد اجتماعی نیستند. خشم و کاهش آستانه تحمل اجتماعی از دیگر معضلات و چالش‌هایی است که سبک زندگی جامعه ما را به شدت تهدید می‌کند. مثلاً در حوزه رانندگی شاهد هستیم که برخی افراد بدون هیچ توجهی به قوانین و

هنجارهای اجتماعی، به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند و در این راه از هیچ اقدام خشنی هم دریغ نمی‌کنند. یکی دیگر از آسیب‌های جدی زندگی امروزمین ما، دچار شدن به آفت خطرناک دروغ است. امام حسن عسکری (ع) در این باره به صراحت می‌فرماید: «تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ‌گویی است».

۹. طلاق یکی از مهمترین شواهد نارضایتی از نهاد خانواده است که مبتنی بر تعهدات بلندمدت متقابل اعضا است. در تمامی جوامع توسعه یافته سن ازدواج بالا رفته و اشکال دیگر روابط زنان و مردان، به عنوان رقیب ازدواج رسمی و تشکیل نهاد خانواده وارد صحنه شده است. از سوی دیگر، رشد علمی زنان، رشد تکنولوژی‌ها و داروهای کنترل تولید مثل، موجب محدود شدن تعداد فرزندان و به تأخیر انداختن تولد اولین فرزند شده است. به همین دلیل، میزان باروری در کشورهای توسعه یافته بسیار کاهش پیدا کرده، به گونه‌ای که در برخی از کشورهای اروپایی به پایین‌تر از نرخ جایگزینی جمعیت رسیده است. اشتغال اقتصادی زنان مهم‌ترین عامل طلاق، زندگی مشترک بدون ازدواج و زایمان‌های بدون ازدواج بوده است. بدین ترتیب شاهد تضعیف شدید خانواده سنتی (هسته‌ای) در جوامع توسعه یافته بوده و هستیم. مدیریت مردها بر زنان براساس متغیر نان‌آوری توجیه می‌شده، اما درآمد اقتصادی زنان به آنها قدرت چانه‌زنی داده است.

۱۰. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین بندگان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را، اگر فقیر و تنگ‌دست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.» (سوره نور: ۳۲). و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «و از جمله نشانه‌های خدا این است که برای شما همسرانی آفرید که با آنها آرامش پیدا کنید و در میانتان دوستی و مهربانی قرار داد.» (سوره روم: ۲۱). بنابراین، دفاع از نهاد خانواده و تشویق ازدواج و فرزنددار شدن، یکی از سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی در ارتقای سبک زندگی اسلامی بوده که پس از دوره رشد بالای جمعیت، در دوره‌ای سیاست کنترل جمعیت اعمال شد. براساس سیاست کنترل جمعیت، رشد جمعیت از ۳/۲ درصد در دهه اول انقلاب، به ۲/۳ درصد در دهه بعد کاهش یافت و اینک به ۱/۳ درصد رسیده است.

۱۱. پس از اعلام نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۰، با افزایش ۲ درصدی خانه‌های مجردی در طول پنج سال اخیر روبرو شدیم و این قضیه به عنوان یکی از آسیب‌های نوپدید شناخته شد و هر یک از مسئولین نگرانی خود را از این بابت اعلام کردند. بر طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، ۷،۱ درصد خانواده‌های ایرانی به صورت مستقل و تک نفره زندگی می‌کنند. به این افراد «خانواده‌های مستقل» گفته می‌شود؛ یعنی افرادی که بنا به تعریف آماری، ازدواج نکرده‌اند و طلاق هم نگرفته‌اند. همچنین بر مبنای گزارش سال ۱۳۸۹ سازمان ملی جوانان که حالا به وزارت ورزش و جوانان تبدیل شده است، ۳۰ درصد از جوانان شش کلان شهر تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز و اهواز، زندگی مجردی دارند. بالا رفتن سن ازدواج؛ زنگ خطری برای افزایش مجرد زیستی آخرین بررسی‌ها در یک دهه اخیر، نشان از بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان دارد. براساس نتایج آخرین سرشماری در سال ۹۰ سن ازدواج دختران به طور میانگین از ۱۹،۶ در سال ۱۳۵۵ به ۲۳،۵ سال و در مورد پسران از میانگین ۲۴ به ۲۷ سال رسید.



ناظمی اردکانی - رئیس وقت سازمان ثبت احوال کشور - نیز بر طبق سرشماری اخیر، میزان مردان هرگز ازدواج نکرده را ۴۶ درصد و زنان را ۴۸ درصد عنوان کرد و از افزایش خطر تجرد قطعی خبر داد. همانطور که آمارها نشان می‌دهد در سال ۹۱ با کاهش ۹،۷ درصدی آمار ازدواج مواجه شدیم و بر اساس آمارهای پایگاه اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال در سال جاری ۷۲۶ هزار و ۳۹۰ واقعه ازدواج رخ داده درحالیکه سال گذشته این آمار ۸۰۴ هزار ۷۸۹ بوده است، کاهش آمار ازدواج زنگ خطری برای افزایش زندگی مجردی در کشورمان است. مسئولان باید به آسیب‌های بر سر راه‌های تجردزیستی توجه بیشتری کنند؛ چراکه با از بین رفتن نهاد خانواده، جامعه دچار آسیب می‌شود.^۱

منابع

- قرآن کریم
- انصار، پی‌یر (۱۳۸۱). *ایدئولوژی‌ها، کشمکش‌ها و قدرت‌ها*. ترجمه مجید شریف. تهران: قصیده سرا.
- باریبه، موریس (۱۳۸۳). *مدرنیته سیاسی*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
- دان، رابرت جی (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران هویت*. ترجمه صالح نجفی. تهران: نشر شیرازه.

^۱ زندگی مجردی؛ علت‌ها و تهدیدها، <http://mehrkhane.com/fa/news/6083/>

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- دریفوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۷۹)؛ **میشل فوکو: فراسوی ساخت‌گرایی و هرمنوتیک**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- رزاقی، افشین (۱۳۸۱)؛ **نظریه‌های ارتباطات اجتماعی**؛ تهران: نشر پیکان گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)؛ ترجمه حسین چاوشیان، چاپ چهارم، تهران: نشرنی.
- شریفی، احمد حسین و همکاران. (۱۳۹۱). **آئین زندگی - اخلاق کاربردی**. ویراست دوم. قم: دفتر نشر معارف.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ **ظهور جامعه شبکه‌ای**، ترجمه علیقلیان و خاکباز، تهران: طرح نو
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ **عصر اطلاعات**، فرهنگ ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمدعلیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
- هورنای، کارن (۱۳۶۴). **تضادهای درونی ما**. ترجمه محمدجعفر مصفا. چاپ پنجم. تهران: انتشارات بهجت.

مقاله

- آتشی، منوچهر. "هویت؛ خودآگاه یا ناخودآگاه". **مجله تکاپو**. دوره نو. شماره ۸.
- درستی، احمد (۱۳۸۰)؛ جهانی شدن و خاورمیانه عربی؛ **مجله مصباح**، شماره ۳۷، صص ۱۲۱ - ۱۴۴
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۷)، "اینترنت، جنبش‌های اجتماعی و بسیج اعتراضات"، (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی)، **فصلنامه علمی - پژوهشی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۶
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۸)؛ "جنگ رسانه‌ای در فضای سایبر"، **نشریه تخصصی ژورنالیسم رادیو و تلویزیونی**، شماره ۶.
- مستقیمی، بهرام، نسیم سادات واسعی زاده، (۱۳۸۹)؛ فن‌آوری اطلاعات و سرمایه اجتماعی در عرصه بین‌الملل؛ **فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، دوره ۴۰، شماره ۱، صفحات ۲۹۳ - ۲۷۴
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۱)؛ **دمکراسی دیجیتال و حکومت الکترونیکی: سیاست و حکومت در عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی**؛ **مجله نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۹، صص ۲۲۷ - ۲۶۰
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۶). **مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی**، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. سال اول شماره ۱، صص ۱۹۹ - ۲۳۰.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۸)؛ "جنگ رسانه‌ای در فضای سایبر"، **نشریه تخصصی ژورنالیسم رادیو و تلویزیونی**، شماره ۶.
- روزنامه ایران، ۲/ ۴/ ۱۳۸۲

منابع اینترنتی

- <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=9985>

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- www.psyop.ir
- http://hoffingtonpost.com/2013/11/04/us-divorce-rate_n_4184261.html
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱.
- جزوه انوار(سبک زندگی، فرصت‌ها و تهدیدها)، روابط عمومی اتحادیه استان
- http://www.jonbesh.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=70&Itemid=9
- درباره‌ی چیستی سبک زندگی، در: گفتاری از حجت‌الاسلام دکتر سعید مهدوی کنی، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ در:
<http://www.psyop.ir/?p=41981>
- زندگی دیجیتال؛ تهدید یا فرصت؟، ۱۱ خرداد ۱۳۹۲، در: <http://www.psyop.ir/?p=49291>
- زندگی مجردی؛ علت‌ها و تهدیدها، <http://mehrkhane.com/fa/news/6083/>
- سایت رسمی سازمان ثبت احوال، در: <http://sabteahval.ir/module/News/Shownews/pages-2086.aspx?NewsId=17702>
- سایه روشن‌های سبک زندگی آمریکایی در ایران، گفتگو پیرامون سبک زندگی با استاد حسن عباسی، نشریه پنجره، در: <http://www.jangnarm.com/index.aspx?siteid=51&pageid=21017&newsview=45748>
- سبک زندگی و حاکمیت سیاسی، ۲۸ فروردین ۱۳۹۲، در: <http://www.psyop.ir/?p=40831>
- شبکه «من و تو» و ترویج اسلام به سبک انگلیسی، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۲، در:
<http://www.psyop.ir/?p=40831>
- "فروپاشی بنیان خانواده‌ها"؛ در غرب یا ایران؟، در:
<http://www.psyop.ir/?p=49491>
- فیس بوک با زندگی ما چه می‌کند؟، ۱۲ خرداد ۱۳۹۲، در:
<http://www.psyop.ir/?p=49491>
- میثم هدایت طلب، رایتل؛ توسعه یا تهدید / آیا زندگی به سبک رایتل راحت تر می‌شود؟
<http://iphone.eo313.ir/>
- ثبت ۱۵ طلاق در هر ساعت در ۲ ماه اخیر، <http://www.asriran.com/fa/news/339527/>
- <http://usinfo.state.gov/usinfo/>

-Books:

- Berry, ch (1986). Human Nature: Issues in Political Theory. London: Macmillan.
- Best Steven and Douglas Kellner. The postmodern Turn. London. The Guilford press, 1997.
- Best, Steven and Douglas Kellner(1991). Postmodern Theory: Critical Interrogations. New York: The Guilford Press.
- Best, steven and Douglas kellner (1996); The Postmodern Turn. London: The Guilford Press.
- Calhoun ,Craig (ed). Social Theory and the Politics of Identity. London: Blackwell.1998.
- Conner, Steven. Postmodern Culture . Second Edition. Bkackwell Publishers, 1997.
- Connoly, William. Identity / Difference. University of Minesota Press, 2002.

چهارمین کنفرانس اکلوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- Fairclough, Norman. Language and power. London. Longman. 1991.
- Fass, Diana. Identification Papers. London. Routledge. 1995.
- Foucault, M (1966). Language, Counter- Memory, Practice: Selected Essay and Interview, ed.by: F. Bouchard. Oxford: Blackwell Pub.
- Foucault, Michel. Archeology of Knowledge . London: Tavistock, 1985.
- Freud, Sigmund. Group Psychology and the Analysis of the Ego. The Standard Edition. Vol. xvIII. London. Vintage. 2001.
- Gordon, Colin (1980). Power/ knowledge: Selected Interview and Other Writing 1972- 1969. New York: University Press.
- Hamilton, R. and M. barrett(eds). The Politics of Diversity. London. Verso. 1986
- Hegel, G.W.F.. Philosophy of Mind. Oxford. Clarendon Press. 1971.
- Kellner, Douglas(1989) .Critical Theory ,Marxism and Modernity. Cambridge
- Krayank, Robert. P (1990). History and Modernity in the Thought of Thomas Hobbes. London: Cornell University Press.
- Laclau,Ernesto and Chantal Mouffe. Hegemony and Socialist Strategy. London. Verso. 1985.
- Paul Thide, Leslie (2003). Thinking Politics. Edition. Chatham House of Publishers.
- Pecheux, Michel. Languages, Semantics and Ideology. New York: St Martin Press, 1982.
- Rabinow, Paul and William M.Sullivan (eds)(1987). Interpretive Social Science. California: California U.P.
- Smart. Barry (1994) Michel Foucault. London: Routledge. vol 2.
- Smith, Anthony. National Identity. Las Vegas: University of Nevada Press.1991.
- T.J.Armstrong(ed).Michel Foucault.Hemel Hempstead. Harvester Wheastscheaf, 1992.
- The Encyclopedia Britanica. Chicago: The University of Chicago. 1973. Vol X
- Torfin, Jacob. New Theories of Discourse. London: Oxford Publication, 1999.
- Turner, Stephen and Paul A. Roth (ed.) (2003); Philosophy of Social Sciences. London: Blackwell Publishers.
- Weedon, Chris. Identity and Culture (narratives of difference and belonging). Open University Press,2004.

articles:

- Cohen, A.p.." Belonging: Identity and social Organization". In: British Rural Cultures. Manchester. Manchester University Press, 1982.
- Eisenstaolt, S.N (1992). "Frameworks of the Great Revolution. Social Science Journal, no.133.385-401"
- Foucault, Michel." Governmentality" . in: G. Burchel , C. Gordon and P.Miller(eds). The Foucault Effects: Studies in Governmentality. Hemel Hemsread Wheatschaf, 1991.
- Hall, Stuart and Paul Dugay. Question of Cultural Identity. Sage Publication,1996.
- Hall, Stuart. "The Local and the Global: Globalization and Ethnicity", in: A . King (ed). Culture, Globalization and The World System. London: McMilan , 1991.
- Hall, Stuart. Cultural Identity and Diaspora, in: J. Rutherford (Ed). Identity, Community, Culture, Difference. London. Lawrence and wishart. 1990.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

-Harding, Sandra. "Transformation VS. Resistance", in: Identity Politics Reconsidered. Edited by Linda Martin Alcoff and Others. Macmillan. Palgrave. 2005

- Riley, Jonathan (2001). "Interpreting Berlin's Liberalism". American Political Science Review. Vol. 95, No.2, June: 283-295

-Siebers, Tobin. Disability Studies and the Future of Identity Politics. In: Identity Politics Reconsidered. Edited by Linda Martin Alcoff and Others. Macmillan. Palgrave. 2005.